



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

زندگانی سیاسی

علیه السلام

امام علی

دکتر مجید معارف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	پیشگفتار
۱۵	عصر پیامبر اسلام
۱۹	علی علیه السلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۱	اتحاد و یگانگی روحی با رسول خدا صلی الله علیه و آله
۲۷	علی علیه السلام و حوادث مهم دوران رسالت
۲۷	اشاره
۲۸	۱. نخستین ایمان آورنده
۲۹	۲. حادثه لیلۃ المبیت
۳۲	۳. جنگ بدر
۳۴	۴. نبرد احد
۳۷	۵. جنگ احزاب
۴۰	۶. غزوه خیبر
۴۲	۷. فتح مکه
۴۴	۸. غزوه تبوک
۴۷	۹. تبلیغ به جای پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۰	۱۰. جریان مباحله
۵۲	۱۱. مأموریت یمن و سفر حجۃ الوداع
۵۵	۱۲. معرفی و نصب جانشین
۵۹	جمع بندی و نتیجه گیری

منابع و مأخذ ۶۳

پی نوشتها ۶۵

درباره مرکز ۶۹

زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام

نویسنده: دکتر مجید معارف

موضوع: عتبات عالیات و سوریه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

پیشگفتار

از بارزترین ابعاد شخصیت علی علیه السلام موضوع حیات سیاسی آن حضرت و تجلی آن در دوره‌های مختلف زندگی آن امام است. با مطالعه در حیات پربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام روشن می‌گردد که آن حضرت در طول زندگانی خود از سیره ویژه‌ای پیروی نموده و بر ارزش‌های خاصی پافشاری کرده که مهم‌ترین ویژگی آن تأثیرپذیری از مکتب اسلام است. همچنین با نظر در زندگانی پیشوای نخستین شیعیان، روشن می‌گردد که آن حضرت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اخلاقی، فرهنگی و ... اسوه‌ای بی‌نظیر و شخصیتی ممتاز بوده است؛ به طوری که برای محققانی که درباره زندگی آن بزرگوار به بررسی می‌پردازد انتخاب و ترجیح بعدی از زندگانی آن حضرت بر بعدی

ص: ۸

دیگر کاری دشوار می‌باشد.

سیره نویسان و محققان تاریخ اسلام بر این مطلب اتفاق نظر دارند که زندگانی علی علیه السلام از سه مقطع کاملاً مجزاً و به شرح زیر تشکیل شده است:

دوره اول: عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

دوره دوم: عصر خلفای سه گانه

دوره سوم: عصر خلافت ظاهری

درباره هر یک از دوره‌های فوق بحث و تحلیل‌های فراوانی وجود دارد که دانشمندان شیعه و سنی در کتب و آثار خود به آن پرداخته‌اند، اما در این تحقیق تنها به جنبه خاصی از حیات امیرمؤمنان یعنی حضور سیاسی آن حضرت، در دوره اول که همزمان با بعثت و رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است پرداخته شده و امید است که مقاطع دیگر حیات علی علیه السلام در جزوه‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

ص: ۹

عصر پیامبر اسلام

عصر پیامبر اسلام

به اعتراف سیره‌نویسان علی علیه السلام از اوان کودکی با رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتبط گردید و تحت تربیت آن حضرت قرار گرفت. این دوره بدون تردید قبل از ده سالگی علی علیه السلام بوده است. در این مورد ابن‌ابی‌الحدید از قول بلاذری نوشته است: «سالی خشکسالی و قحطی شدیدی در مکه واقع شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو عموی خود حمزه و عباس پیشنهاد کرد که هر کدام با قبول سرپرستی یکی از فرزندان ابوطالب بار زندگی را بر او سبک نمایند. پس به اتفاق هم نزد ابوطالب رفتند و از وی درخواست کردند که سرپرستی فرزندی را به عهده آنان گذارد. ابوطالب به آنان گفت: عقیل را برای من بگذارید و هر پسر دیگری را که بخواهید برای خود برگزینید. عباس طالب را انتخاب نمود، حمزه جعفر را برای خود اختیار کرد و محمد نیز دست علی علیه السلام را گرفت و به آنان گفت: من کسی را برای خود برگزیده‌ام که

ص: ۱۰

خدا برایم برگزیده است».

ابن ابی الحدید پس از نقل این ماجرا می‌افزاید: «به عقیده مورخان علی علیه السلام از سن شش سالگی در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت» (۱). این واقعه سبب گردید که علی علیه السلام از همان کودکی تحت مراقبت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گیرد و در عمل از شخصیت آن بزرگوار تأثیر بپذیرد که نظیر آن را از پدر خود نگرفته باشد. دلیل این مطلب آن است که با وجود مهتری ابوطالب در بین قریش و حمایت بی‌دریغ وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله - پس از علنی شدن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله - علی علیه السلام در هیچ سخنی به تأثیرپذیری خود از پدر اشاره ندارد، بلکه آنچه آن حضرت به صراحت از آن سخن گفته مسأله همراهی وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و تأثیرپذیری مطلق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

از جمله در خطبه قاصعه خطاب به اصحاب پیامبر می‌فرماید: «شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و منزلت مخصوص من نزد آن حضرت آگاه هستید. کودک بودم که مرا در دامن خود قرار داد. مرا به سینه‌اش می‌فشرد ... و بوی خوش خود را به من می‌بویانید.

۱- شرح نهج‌البلاغه ۱/ ۱۵، السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام ۱/ ۲۳۶.

ص: ۱۱

و او با دست خود غذا در دهان من می گذاشت» (۱) و باز در همین خطبه توضیح می دهد که:

«وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ إِثْرًا مَهْ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ» (۲) ۳

یعنی: من بسان بچه ناقه‌ای که به دنبال مادر می رود در پی پیامبر صلی الله علیه و آله می رفتم. او هر روز یکی از فضائل خود را به من تعلیم می کرد و سفارش می کرد که از آن پیروی کنم.

با توجه به این مصاحبت همه جانبه است که علی علیه السلام از همان کودکی به اسرار و حقایق دست یافت که تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حقایق واقف شده بود. آن حضرت همه جا سایه به سایه پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ در شهر و یا در خارج از شهر و در دشت و یا کوهستان. و از این جهت حقیقتی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مکشوف نمی گشت مگر آنکه علی علیه السلام در جریان قرار می گرفت. بنابراین تعجبی ندارد که آن حضرت نخستین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، حضرتش در همان خطبه می فرماید:

«هر سال در حرا خلوت می گزیدم. من او را می دیدم و جز من کسی وی را نمی دید. در آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه در آن بود، در هیچ خانه‌ای مسلمانی راه نیافته بود، و من سومین آنان بودم. روشنایی

۱- نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۰۶.

۲- همان / ۴۰۶.

ص: ۱۲

وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم». (۱) و باز در جای دیگر اضافه می‌کند که: «هیچ کس پیش از من به پذیرفتن دعوت حق نشتافت و چون من صله رحم و افزودن در بخشش نیافت». (۲) ۵

۱- نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۰۶.

۲- همان / ۲۵۷.

ص: ۱۳

علی (ع) و بعثت پیامبر (ص)

علی علیه السلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

چنان که گذشت علی علیه السلام نخستین کسی است که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد. بر این مطلب مورخان شیعه و سنی اتفاق نظر دارند. اما برخی از مورخان اهل سنت در صدد برآمدند که ایمان علی علیه السلام در لحظه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را، ایمان کودکی نابالغ جلوه دهند و از ارزش آن بکاهند؛ اینان توجه نکرده‌اند که این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که دعوت خود را به علی علیه السلام عرضه داشت و در حادثه «یوم الانذار» دست علی علیه السلام را به عنوان نخستین ایمان آورنده در دست خود فشرد و او را به عنوان برادر، وصی و خلیفه بعد از خود به مردم معرفی کرد، و بنابراین در صورتی که ایمان علی علیه السلام از ارزش و اعتبار اسلامی برخوردار نباشد، اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز کاری لغو و بی‌ارزش قلمداد می‌شود. ابن اسحاق - به عنوان قدیمی‌ترین سیره‌نویس اهل سنت - آورده است:

ص: ۱۴

«اولین کسی که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، با او نماز گزارد و دعوت وی را تصدیق نمود، علی بن ابی طالب علیه السلام بود. او در این زمان کودکی ده ساله بود، اما از نعمت‌هایی که خداوند علی علیه السلام را به آن مخصوص کرد یکی آن بود که آن حضرت قبل از اسلام در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله رشد نمود» (۱) طبری مورخ دیگر اهل سنت با ذکر حادثه «یوم‌الانذار» در کتاب خود این مطلب را مورد تصریح قرار داده است که:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز دست خود را به دست علی علیه السلام زد و خطاب به قریش فرمود: این، برادر و وصی من و نیز خلیفه من در بین شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. اما قوم او خنده‌کنان برخاستند و به ابوطالب می‌گفتند که: به تو فرمان داد که از پسر خود شنوا باشی و او را اطاعت کنی!» (۲) به هر جهت از این زمان بود که حضور علی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله معنای ویژه‌ای یافت. آن حضرت به عنوان وزیر و یاور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عهده‌دار وظایف و تکالیفی گردید و به شرحی که خواهیم گفت این معاونت و همراهی تا پایان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه یافت.

۱- . سیره ابن هشام ۱/ ۲۶۲ به نقل از ابن اسحاق

۲- . تاریخ طبری ۲/ ۳۲۱.

ص: ۱۵

اتحاد و یگانگی روحی با رسول خدا (ص)

اتحاد و یگانگی روحی با رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوند ویژه‌ای با علی علیه السلام برقرار نمود که نظیر آن را با هیچکدام از اصحاب خود برقرار نفرمود. این پیوند در قالب عقد مواخات و موازرت صورت گرفت و براساس آن اتحاد و یگانگی خاصی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به وجود آمد. و براساس همین اتحاد روحی و معنوی بود که کار و اقدام علی علیه السلام به مثابه کار و اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله و کار و اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله کار و اقدام علی علیه السلام به شمار می‌رفت. ابتدا قرآینی در خصوص این پیوند ذکر کرده و سپس به تحلیلی در این باره می‌پردازیم:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین اصحاب خود علی علیه السلام را به عنوان برادر خود اختیار کرد و به او فرمود:

«أنت أخی فی الدنیا والآخره»

. این مطلب را رسول خدا صلی الله علیه و آله نه یک بار، که در مواضع متعددی بیان کردند. یکی از مواضعی که

ص: ۱۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ذکر این مطلب تصریح فرمود، مربوط به برقراری پیوند برادری در بین اصحاب خود بود. این واقعه پس از هجرت به مدینه اتفاق افتاد. در این مراسم پیامبر صلی الله علیه و آله میان هر دو مهاجر و نیز هر یک از مهاجران با یک نفر از انصار مدینه، پیوند برادری منعقد نمود، ولی در مورد خویش جز علی علیه السلام کس دیگری را به عنوان برادر اختیار نفرمود.

ابن هشام تحت عنوان برادری بین مهاجرین و انصار می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه با تعبیر: تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ إِخْوِينَ أَخْوِينَ

، بین مهاجرین و انصار پیوند برادری منعقد فرمود، اما خود دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود: هَذَا أَخِي

«(۱) ۲۸. ترمذی از براء بن عازب روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ» (۲) ۹

۳. سیوطی از قول محدثان اهل سنت از جمله ترمذی، نسایی و ابن ماجه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ» (۳) ۱۰

۴. باز ترمذی از حبشی بن جناده آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلِيٌّ مِنْ مَنْ أَسْتَوِي وَ مَنْ أَسْتَوِي مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَسِيٌّ وَ كَسِيٌّ»

۱- . سیره ابن هشام ۲ / ۱۵۰.

۲- . سنن ترمذی ۵ / ۵۹۳.

۳- . تاریخ الخلفاء ۱ / ۱۶۹.

ص: ۱۷

نمی‌تواند مسؤولیت‌های مرا ادا کند جز خودم یا علی علیه السلام» (۱) ۱۱ ناگفته نماند که پیوند برادری که بدین وسیله بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام منعقد گردید غیر از اخوت کلی اسلامی است که قرآن براساس: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲) ۱۲ معین کرده است. زیرا براساس رابطه برادری بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام حقوق متقابل بین آن دو بزرگوار به وجود آمد که هر دو نفر مکلف به رعایت آن شدند. از جمله این حقوق آنکه علی علیه السلام وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید و با وجود علی علیه السلام، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ادعایی جهت میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله نکرد. زیرا مطابق رابطه‌ای که در روز مواخات رسول خدا صلی الله علیه و آله بین مسلمانان برقرار نمود، هر مسلمانی می‌توانست به عنوان وارث برادر خود نیز تلقی گردد. چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز مواخات بین بلال حبشی و ابو زویحه (عبدالله بن عبدالرحمن خَنَعَمِي) پیوند برادری منعقد نمود و این رابطه هرگز گسسته نگشت، جهت اطلاع از نتایج این برادری در تاریخ آمده است که:

«در عصر خلیفه دوم بلال از مدینه به شام مهاجرت نمود و در آنجا رحل اقامت افکند. و چون خلیفه دوم به تنظیم دواوین پرداخت و سهم هر کدام از مهاجرین و

۱- سنن ترمذی ۵/ ۵۹۴.

۲- سوره حجرات / ۱۰.

ص: ۱۸

انصار را تعیین نمود، بلال جهت دریافت سهم و مقرری خود در مدینه حضور نداشت. و چون عمر برای او پیغام فرستاد که ای بلال سهم خود را برای چه کسی قرار می‌دهی، بلال در پاسخ گفت: سهم خود را برای ابورؤیحه قرار می‌دهم. و دلیل آن، اخوتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین من و او برقرار نمود که هرگز از او مفارقت نخواهم کرد» (۱) ۱۳ به همین ترتیب رسول خدا صلی الله علیه و آله با به زبان آوردن:

«عَلِيٌّ مَنِّيْ وَ اَنَا مِنْ عَلِيٍّ»

اتحاد ویژه‌ای بین خود و علی علیه السلام به وجود آورد که به موجب آن هر دو بزرگوار در حکم شخص واحدی تلقی شده و از تعهد متقابلی نسبت به یکدیگر برخوردار شدند.

برای اطلاع بهتر از حقوق متقابلی که با تعبیر:

«عَلِيٌّ مَنِّيْ وَ اَنَا مِنْ عَلِيٍّ»

بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام برقرار گردید، متذکر می‌شویم که: قبل از ظهور اسلام پیمان‌های متعددی در بین اعراب جاری و متداول بود. به موجب این پیمان‌ها، گاه فردی با فرد دیگر، گاه قبیله‌ای با قبیله دیگر و گاه نیز فردی با قبیله‌ای پیمان‌هایی از جمله پیمان برادری، پیمان تابعیت و یا پیمان موالات منعقد می‌نمود. هر یک از این پیمان‌ها از نظر حقوقی و سیاسی قانونیت و اعتبار داشت و

ص: ۱۹

تعهدات متقابلی را جهت طرفین پیمان به وجود می‌آورد.

به عنوان مثال: اگر شخصی با به زبان آوردن:

«فُلَانٌ مِّنِّي وَ اَنَا مِنْ فُلَانٍ»

با شخص یا قبیله‌ای پیمانی برقرار می‌کرد، این عبارت هر یک از طرفین را ملزم می‌ساخت که به طور کامل از حقوق و منافع دیگری

حمایت کند و از هر جهت او را چون خود یا عضو قبیله خود بداند، مگر آن که در شرایطی با ذکر:

«فُلَانٌ لَيْسَ مِنِّي وَ لَا اَنَا مِنْهُ»

پیوند و اتصال خود را رسماً لغو نماید.

به عقیده برخی از محققان: در تمام مواردی که در زبان عرب و در جملاتی مانند «فُلَانٌ مِّنِّي وَ اَنَا مِنْ فُلَانٍ» حرف «من» به کار رفته،

این حرف حکایت از نوعی اتصال روحی و اتحاد معنوی بین دو نفر می‌کند و از این جهت برخی این «من» را من اتصالیه

نامیده‌اند. (۱) در قرآن کریم نیز آنجا که خداوند به نوح می‌فرماید: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (۲) - یعنی: ای نوح پسر تو از

اهل تو نیست - در واقع اتصال روحی و معنوی نوح با فرزندش نفی شده است نه آنکه اصل رابطه پدر و فرزندش مورد انکار قرار

گیرد.

پس از ذکر این مقدمات خاطر نشان می‌کنیم که: مطابق سابقه‌ای که قبل از ظهور اسلام در جزیره‌العرب وجود

۱- جهت اطلاع بیشتر بنگرید به کتاب یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی.

۲- هود: ۴۶

ص: ۲۰

داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با به زبان آوردن:

«عَلَيَّْ مَنْى وَاَنَا مِنْ عَلَیَّ»

اتحاد کامل روحی و نفسانی خود را با علی علیه السلام اعلام داشت؛ همچنانکه قرآن کریم نیز در آیه مباحله از علی علیه السلام با تعبیر نفس پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده است. نتیجه چنین رابطه‌ای بین پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول حیات خود از علی علیه السلام در مقابل دشمنانش دفاع نمود و به کسی اجازه تعرض و جسارت به علی علیه السلام نداد و علی علیه السلام نیز چه در جنگ و چه غیر جنگ وظیفه دفاع و حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت و با فداکاری‌های مکرر خود مهم‌ترین نقش را در حفظ رسول خدا صلی الله علیه و آله از توطئه‌های دشمنان و تثبیت اسلام ایفا نمود. در این خصوص قراین بیشماری در منابع تاریخی و حدیثی وجود دارد که در بررسی حوادث مهم دوران رسالت به آن اشاره می‌کنیم.

ص: ۲۱

علی (ع) و حوادث مهم دوران رسالت

علی علیه السلام و حوادث مهم دوران رسالت**اشاره**

با مطالعه زندگانی حضرت علی علیه السلام روشن می‌گردد که نقش آن حضرت در جریانات سیاسی و نظامی عصر رسالت، نقشی بی‌نظیر و ممتاز است. آن حضرت بیش از هر صحابی دیگر به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک بود و بدون هیچ درنگی آماده هر مأموریتی بود که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی واگذار می‌گردید. همگامی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله از آغاز رسالت آن حضرت، امری مشهود است، اما هر چه به پایان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکتر می‌شویم این همراهی نمایان‌تر می‌گردد. آری؛ جهت همگامی وسیع علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله فضایی برای امیر مؤمنان ظاهر گردیده‌است که هیچ کدام از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در آن فضایل با آن حضرت شریک نمی‌باشند. در اینجا از بین حوادث مهمی که علی علیه السلام در آن نقش مؤثری ایفا کرده است به ذکر دوازده مورد بسنده می‌شود:

۱. نخستین ایمان آورنده

به طوری که قبلاً گذشت علی علیه السلام نخستین کسی است که از مردان به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و در واقعه یوم‌الانذار نیز بیعت خود را به صورت آشکار با رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام نمود. در این مورد شواهد بسیاری در کتب تاریخی آمده است که ذکر همه آنها ضرورتی ندارد.

بنابر یکی از این شواهد که طبری از قول ربیع‌بن ناجذ ذکر کرده است، در دوران خلافت امیرمؤمنان علیه السلام شخصی از آن سرور سؤال نمود که: ای امیرمؤمنان، به چه دلیل شما وارث پسرعموی خود شدید و عموی شما - یعنی عباس - از این حق محروم ماند؟ حضرت وی و سایر مسلمانان را به استماع پاسخ خود دعوت فرمود و جریان یوم‌الانذار را تعریف نمود. و مخصوصاً این مطلب را به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد تأکید قرار داد که: «در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حاضران گفت:

«فَأَيُّكُمْ يُبَايِعُنِي عَلَىٰ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَصَاحِبِي وَوَارِثِي؟»؛

یعنی: «کدام یک از شما بر این دعوت با من بیعت می‌کند تا به این وسیله برادر من و وارث و صاحب من باشد؟» اما در آن مجلس کسی برنخواست و من که کوچک‌ترین فرد آن جماعت بودم بپا خاستم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین و تا سه نوبت دعوت خود را تکرار نمود. و هر بار که من بر می‌خاستم آن حضرت مرا دعوت به نشستن می‌کرد. اما در بار سوم دستش را بر دست

ص: ۲۳

من زد و بیعتم را تصویب نمود. به این جهت من وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله شدم و عموی من محروم گردید. (۱) ۱۶

۲. حادثه ليله المبيت

با گذشت سیزده سال از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در پی گسترش موج اسلام و هجرت جمعی از مسلمانان به حبشه و یثرب، سران کفر به فکر مقابله جدی با پیامبر صلی الله علیه و آله افتادند و تصمیم به ترور و یا اخراج او از مکه گرفتند. بدین منظور سران شرک در دارالندوه به مشورت پرداخته، سرانجام به این نتیجه رسیدند که از هر قبیله ای جوانی انتخاب کنند و با حمله به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به قتل رسانند.

این همان حادثه ای است که قرآن مجید به این شکل از آن خبر داده است: «به خاطر بیاور هنگامی را که کافران درباره تو نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند و یا از (مکه) اخراج کنند. آنها چاره جویی کرده و (تدبیر می کردند) و خداوند هم تدبیر می کرد. و خدا بهترین چاره جوست». (۲) ۱۷ در اینجا بود که فرشته وحی رسول خدا صلی الله علیه و آله را از تصمیم مشرکان آگاه ساخت و فرمان الهی را مبنی بر ترک مکه و

۱- تاریخ طبری ۲ / ۳۲۲.

۲- انفال / ۳۰.

ص: ۲۴

هجرت به مدینه به وی ابلاغ کرد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله موضوع را با علی علیه السلام در میان گذاشت و برای آنکه خروج وی از مکه جلب نظر نکند، از علی علیه السلام درخواست نمود که شب را در بستر او بیاراند. علی علیه السلام با فداکاری تمام پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و آن شب را در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله به استراحت پرداخت. در نتیجه این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله موفق گردید از منزل خارج شود و راه مدینه را در پیش گیرد.

وقتی مشرکان به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله حمله کردند با علی علیه السلام روبرو گشتند و پس از تعرّض مختصری به علی علیه السلام به قصد تعقیب پیامبر صلی الله علیه و آله از او جدا شدند.

خدای متعال در باب فداکاری علی علیه السلام این آیه را نازل فرمود که: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (۱)؛ «برخی از مردم - چون علی علیه السلام جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند. و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

طبرسی رحمه الله در تفسیر خود در شأن نزول این آیه از قول ابن عباس آورده است: «این آیه درباره علی علیه السلام نازل گردید، آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از دست مشرکان فرار کرد و به غار پناه برد و علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله آرامید. و آیه فوق نیز در بین مکه و مدینه نازل گردید. و باز گوید: روایت

ص: ۲۵

شده که چون علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت، جبرئیل بر بالای سر و میکائیل در پائین پای علی علیه السلام قرار گرفت و جبرئیل گفت: آفرین بر تو ای علی علیه السلام که خداوند به واسطه تو به فرشتگان مباحثات می‌کند» (۱) ۱۹ علی علیه السلام علاوه بر استقرار در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله متعهد گردید که به محض دریافت دستور از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله امانت‌های مردم را که در اختیار آن حضرت قرار داشت به صاحبان آنها برگرداند و به همراه بستگان نزدیک خود و پیامبر صلی الله علیه و آله- از جمله فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا علیها السلام به سوی یثرب عزیمت کند. و به شرحی که در کتاب‌های تاریخی آمده است پس از رسیدن پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آن حضرت طبق وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده و سپس به سمت مدینه حرکت نمود. و نکته قابل ذکر آن که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پیش از رسیدن به مدینه در منطقه قبا رحل اقامت افکند و در آنجا چندان به انتظار نشست تا علی علیه السلام و همراهانش از راه رسیدند و گویا نمی‌خواست که در ورود به مدینه بر علی علیه السلام پیشی بگیرد. (۲) ۲۰

۱- مجمع البیان ۲/ ۵۳۵ و نیز بنگرید به تفسیر فخر رازی ۵/ ۲۲۳، اسدالغابه ۳/ ۶۰۱.

۲- جهت اطلاع بیشتر بنگرید به بحارالانوار ۱۹/ ۱۰۶ به نقل از اعلام‌الوری.

۳. جنگ بدر

جنگ بدر نخستین جنگ مهم اسلام است که در آن ۳۱۳ تن از مسلمانان، آنهم با ساز و برگ نه چندان مناسب، در مقابل هزار تن از کفار و مشرکان که تا دندان مسلح بودند، قرار گرفتند. به گفته مورخان:

پیامبر صلی الله علیه و آله با سیصد و سیزده تن از مسلمانان از مدینه خارج گردید تا راه را بر کاروان تجارت قریش که به رهبری ابوسفیان در گذر بود ببندد و پاسخی به تجاوزها و شیطنت‌های قریش - که همواره به آزار مسلمانان می‌پرداختند - بدهد. اما تقدیر چنین بود که ابوسفیان در جریان امر قرار گیرد و از قریش یاری طلبد. قریش با تمام نیرو برای نجات کاروانیان و جنگیدن با محمد صلی الله علیه و آله و یارانش از مکه خارج شد و راه بدر را در پیش گرفت. (۱) ۲۱ این جنگ از نظر سیاسی و اقتصادی از ارزش بالایی برای مشرکان برخوردار بود و پیروزی در آن می‌توانست علاوه بر امتیّت بخشیدن به راه‌های تجارتي موقعیت قریش را که در پی هجرت مسلمانان به مدینه تضعیف شده بود، بهبود بخشد.

جنگ بدر در هفدهم رمضان سال دوم هجری اتفاق افتاد. با توجه به نابرابری مشرکان و مسلمانان از نظر تعداد

۱- سیره‌الائمۃ الاثنی عشر ۱ / ۱۹۱.

ص: ۲۷

نفرات و امکانات جنگی، پیروزی مسلمانان بر کفار و مشرکان قابل تصوّر نبود. امّا امداد غیبی الهی و نبرد دلاوران چند تن از مسلمانان به ویژه علی علیه السلام و حمزه کار را بر مشرکان دشوار نمود و سرانجام شکست و هزیمت را نصیب آنان ساخت. در این جنگ هفتاد تن از جنگاوران قریش کشته شدند و ده‌ها تن از آنان نیز به اسارت درآمدند. و به تحقیق شیخ مفید رحمه الله بیش از نیمی از این تعداد- یعنی بیش از سی و شش نفر- به دست علی علیه السلام کشته شدند. (۱) ۲۲ از جمله کسانی که در جنگ بدر به دست علی علیه السلام به هلاکت رسیدند پدر و برادر و فرزند هند (همسر ابوسفیان) به نام‌های «عُتْبَه»، «ولید» و «حنظله» می‌باشند. در نامه‌ای که علی علیه السلام در دوران خلافت خود به معاویه نوشت او را یادآور ساخت که:

«وَعِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَغْضَضْتُهُ بِجَدِّكَ وَ خَالَكَ وَ أَخِيكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ». (۲) ۲۳

یعنی: «و نزد من است همان شمشیری که آن را در یک روز بر جدّ تو (عتبه) و دایی تو (ولید فرزند عتبه) و برادرت (حنظله) فرود آوردم».

با توجه به این مطالب جنگ بدر چنان داغی بر دل خاندان ابوسفیان نهاد که حتی پیروزی قریش در جنگ

۱- . ارشاد مفید / ۶۴.

۲- . نهج البلاغه صبحی صالح / ۶۳۱.

ص: ۲۸

احد نیز نتوانست مرهم آن داغ به حساب آید. و تنها پس از فاجعه کربلا بود که یزید بن معاویه اشعاری سرود که در آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و یارانش را انتقامی در برابر واقعه بدر اعلام نمود. (۱) ۲۴

۴. نبرد احد

در سال سوم هجری سپاه مشرکان قریش به تلافی شکست بدر، با سه هزار تن عازم مدینه گشت. در این جنگ ابوسفیان دو بت قریش یعنی لانت و عزی را با ارتش خود همراه نمود. و علاوه بر آن پانزده تن از زنان قریش را به سرکردگی همسر خود، برای تشجیع جنگاوران به همراه آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اطلاع از حرکت قریش، در مدینه شورای جنگی تشکیل داد و در مورد خروج از مدینه و یا ماندن در شهر، با آنان به مشورت پرداخت. اکثر مسلمانان - از جمله حمزه - معتقد بودند که رویارویی با مشرکان در خارج از مدینه صورت پذیرد و لذا با آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله شخصاً مایل به ماندن در مدینه بود، لکن موافقت خود را نسبت به خروج از شهر اعلام کرد و با هزار تن از مسلمانان عازم احد گردید. در بین راه عبدالله بن ابی - سرکرده منافقان - با سیصد تن از افراد تحت فرمان

ص: ۲۹

خود به مدینه بازگشت. و در نتیجه پیامبر صلی الله علیه و آله با هفتصد تن از مسلمانان در مقابل سه هزار تن از نیروی قریش قرار گرفت.

چنان که در منابع تاریخی به تفصیل آمده است، آغاز جنگ با نبرد تن به تن پرچمداران قریش با علی علیه السلام آغاز گردید. و در روایتی که حسن بن محبوب از امام صادق علیه السلام آورده است: «پرچمداران جنگ احد ۹ تن از قهرمانان قریش و بنی عبدالدار بودند که علی بن ابی طالب علیه السلام تا آخرین نفرشان را از دم تیغ گذراند». و بنا به روایات دیگر با به خاک افتادن پرچمداران قریش، چنان رعبی بر سپاه قریش چیره شد که عملاً کسی جرأت به دست گرفتن پرچم را به خود نداد تا آن که زنی به نام عَمْرَةُ بنت علقمه حارثیه به سوی پرچم آمد و آن را در دست گرفت، اما در این زمان دو لشکر با هم درگیر شدند و به سبب رشادت و سلحشوری مسلمانان، پس از اندکی نبرد، کفار قریش دچار هزیمت شده، پا به فرار گذاشتند. سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله فراریان را تعقیب کردند. تا به خیمه‌های قریش رسیدند و در درون خیمه‌ها به جمع‌آوری غنایم سرگرم شدند.

در این هنگام مسلمانانی که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز کوه مستقر و به نگهبانی مشغول بودند، به تصوّر پایان یافتن جنگ و بر خلاف سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله منطقه استحقاقی خود را ترک کرده به جمع‌آوری غنایم روی آوردند. و چنان که می‌دانیم خالد بن ولید با جمعی از افراد قریش

ص: ۳۰

موفق گردید تا کوه احد را دور زده و از پشت بر مسلمانان بتازد.

از این لحظه بود که مسلمانان و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در محاصره قرار گرفتند و جمعی از آنان به شهادت رسیدند، چنان که جان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در معرض خطر جدی قرار گرفت. مسلمانان جز دو سه تن معدود، بقیه از برابر قریش فرار کردند. و تنها علی علیه السلام در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر زد و شر دشمنان را دفع می کرد. به گفته طبری در این هنگام جبرئیل گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این نهایت فداکاری است که علی علیه السلام از خود نشان می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تصدیق گفته جبرئیل فرمود:

«و ما يَمْنَعُهُ مِنْ هَذَا؟! و هو مَنِّي و انا منه!»

یعنی: «چرا چنین نباشد؟! و حال آنکه او از من و من از او هستم!» در دنباله حدیث آمده است که جبرئیل گفت:

«و أَنَا مِنْكُمْ»

. در این هنگام ندایی شنیده شد که:

«لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ». (۱) ۲۵

تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرماید:

«هو مَنِّي و انا منه»

بیانگر همان پیمان اتحاد و یگانگی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. و به جهت تعهد علی علیه السلام در دفاع از جان رسول گرامی صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان ملقب به «قصیم» گردید. (۲) ۲۶

۱- تاریخ طبری ۲/ ۵۱۴.

۲- یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۵.

ص: ۳۱

۵. جنگ احزاب

از حقایق غیر قابل انکار در تاریخ اسلام موضوع نقش علی علیه السلام در جنگ خندق- و یا احزاب- است. با توجه به قاطعیت تاریخی این نقش، نیازی به تکرار اصل واقعه نمی‌باشد و تنها یادآوری دو نکته اساسی برای پی بردن به نقش علی علیه السلام در صحنه احزاب کفایت می‌کند:

الف-

آنگاه که علی علیه السلام در مقابل عمرو بن عبدود پهلوان نامی عرب قرار گرفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشُّرْكِ كُلِّهِ» (۱) ۲۷

یعنی «ایمان به تمام وجود در برابر شرک به تمامی آن جلوه گر شده است».

با توجه به این سخن علی علیه السلام و عمرو بن عبدود در آن لحظات سرنوشت ساز دو فرد عادی شمرده نمی‌شدند و بلکه هر کدام سمبلی از یک جریان بودند و یقیناً پیروزی هر کدام می‌توانست تضمین کننده پیروزی جبهه‌ای باشد که آن فرد به آن تعلق دارد.

ب-

آنگاه که علی علیه السلام در یک نبرد جوانمردانه خصم خود را به خاک افکند، رسول گرامی اسلام در وصف ضربه‌ای که پهلوان قریش را به خاک انداخت فرمود:

«ضَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» (۲) ۲۸

؛ یعنی:

۱- سیره المصطفی ص ۵۰۰، در بحار الانوار آمده است: «برز الایمان کله الی الکفر کله» بنگرید به این کتاب ۳۹ / ۱ الی ۷.

۲- بحار الانوار ۳۹ / ۲.

ص: ۳۲

«ضربه علی در روز (جنگ) خندق از عبادت جن و انس بالاتر است.» تا آنجا که اسناد تاریخی نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد هیچ ضربه دیگر، نه از علی علیه السلام و نه از کس دیگر، چنین توصیفی به عمل نیاورد. حال دلیل این مطلب چه می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت: جنگ احزاب چنانکه از نام آن به دست می‌آید، حاصل اتحاد شومی از سه جناح مشرکان مکه (آن‌هم قبایل مختلف)، یهودیان مستقر در مدینه و بالاخره منافقان موجود در بین مسلمانان بود، و در صورت پیروزی جبهه متحد شرک و نفاق و یهود، اسلام به طور کلی از بین رفته و جز نامی از آن در تاریخ باقی نمی‌ماند.

چنان‌که پیروزی مسلمانان نیز می‌توانست وضعیت را از هر جهت به نفع آنان تغییر داده و راه را برای پیروزی‌های بعدی باز کند. و به همین جهت پس از پایان رسیدن ماجرای احزاب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الآن نَغزُوهُمْ وَ لَأَيَّغُزُونَنَا» (۱) ۲۹

اکنون ما با قریش مبادرت به جنگ می‌کنیم و دیگر آنان نمی‌توانند با ما مبادرت به جنگ کنند. و گذشت زمان نیز صدق گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله را روشن کرد. چرا که بعد از

ص: ۳۳

جنگ احزاب مسلمانان در مقابل قریش موضعی تهاجمی اتخاذ کردند و نهایتاً در سال هشتم هجری و پس از فتح مکه مشرکان تسلیم کامل شدند و به اسلام گردن نهادند.

لذا با توجه به نقش منافقان در تضعیف روحیه مسلمانان- که قرآن از آن خبر داده است (۱). احزاب / ۱۲. (۲) ۳۰- باید گفت که نبرد علی علیه السلام با عمرو بن عبدود از جنگ دو فرد معمولی به نبرد روانی دو جریان تبدیل گشت. پس از کشته شدن عمرو بن عبدود، پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان تکبیر گفتند و با وزیدن باد در سپاه قریش (۳) ۳۱ و به هم ریختن خیمه و خرگاه آنان، سپاه مشرکان خسته و کوفته راه بازگشت به مکه را در پیش گرفت.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز پس از خاتمه این جریان به سرعت به یهودیان بنی قریظه تاخت و با تار و مار نمودن آنان، از شر این دشمن خانگی آسوده گشت. و این خود دستاورد بزرگ دیگری بود که در پایان جنگ احزاب به دست آمد.

قضایای جنگ احزاب و قلع و قمع یهودیان بنی قریظه در سوره احزاب وارد شده است (۴) ۳۲ و خصوصاً برخی از مفسران در تفسیر آیه: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ» (۵) ۳۳؛ یعنی: خداوند کافران مکه را با همان خشم و غضبی که به مؤمنان داشتند

-۱

-۲

-۳. همان، آیه ۹ که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ...».

-۴. همان، از آیه ۹ تا ۲۷

-۵. همان / ۲۵.

ص: ۳۴

بی آن که هیچ خیر و غنیمتی به دست آورند باز گردانید و خداوند خود امر جنگ را از مؤمنان کفایت نمود- نوشته‌اند: «خداوند به واسطه علی علیه السلام امر به جنگ را از مؤمنان کفایت نمود».(۱) ۳۴

۶. غزوه خیبر

مسلم در کتاب صحیح خود با ذکر چهار حدیث، غزوه خیبر و نقش علی علیه السلام را در آن جنگ توصیف کرده است. در یکی از این روایات آمده است:

«روزی معاویه با سعد بن ابی وقاص گفت: چه چیز تو را از لعن ابوتراب بازداشته است؟ سعد گفت: تا وقتی که سه فضیلت از علی علیه السلام به یاد دارم- که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود- او را سب (و لعن) نخواهم کرد. اگر یکی از فضایل از آن من بود آن را به شتران سرخ‌موی ترجیح می‌دادم. (به عنوان یکی از این فضایل) خود شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر فرمود: (فردا) پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. در آن شب ما انتظار کشیدیم. فردای آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی را برایم صدا زنید. علی آمد در حالی که چشمش از درد ورم کرده بود. حضرت

ص: ۳۵

دست‌های خود را بر چشم علی علیه السلام کشید و پرچم را به دست وی داد و او را روانه نمود. خداوند نیز فتح و پیروزی را به دست علی علیه السلام ظاهر ساخت.» (۱) ۳۵ طبق روایات دیگر این کتاب، هر سرداری که قبل از علی علیه السلام برای جنگ با یهودیان روانه گشت، ناکام و شکست خورده مراجعت نمود، و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که...» کسی تصوّر نمی‌کرد که این افتخار نصیب علی گردد. زیرا علی علیه السلام از کسالت و ناراحتی چشم رنج می‌برد. عمر بن خطّاب می‌گوید: «غیر از روز خیبر در هیچ روز دیگر دوست نداشتم که به امارت و فرماندهی برگزیده شوم. به شدت مشتاق بودم که بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا صدا زند. اما رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را صدا زد و پرچم را به دست او داد و به وی فرمود: برو و باز مگرد تا آنکه خداوند پیروزی را به دست تو ظاهر سازد.» (۲) ۳۶ با فراخوانی علی علیه السلام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مطلب به شرح زیر واقع گردید:

الف- به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و به برکت دست آن حضرت، بیماری و ناراحتی علی علیه السلام برطرف گردید؛ و این خود

۱- صحیح مسلم: ۴ / ۱۸۷۱ روایات ۳۲ تا ۳۵.

۲- همان: ۴ / ۱۸۷۱ حدیث ۳۳.

ص: ۳۶

اعجازی به شمار می‌رفت.

ب- با نبرد علی علیه السلام قهرمان بزرگ یهودیان- یعنی مرحب- به خاک افکنده شد و قلعه‌های مستحکم یهود یکی پس از دیگری فتح گردید.

ج- موقعیت ویژه‌ای برای علی علیه السلام در بین یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آمد؛ و آن این که همگان فهمیدند که: علی کسی است که خدا و رسول را دوست دارد و نیز محبوب خدا و رسول است.

۷. فتح مکه

در سال هشتم هجری پیامبر صلی الله علیه و آله با ده هزار تن از مسلمانان از مدینه خارج گردید و پرچم اصلی را به دست علی علیه السلام سپرد. آن حضرت دیگر پرچم‌ها را در بین سران قبایل تقسیم کرد و راه مکه را در پیش گرفت. قبل از ورود مسلمانان به مکه، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ابوسفیان را در محلی قرار داد که شکوه و هیبت مسلمانان را تماشا کند و بی‌فایده بودن مقاومت در برابر آنان را مشاهده کند. عباس به همین ترتیب از ابوسفیان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شفاعت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ابوسفیان را به اسلام دعوت نمود. و چنانکه طبری و واقدی نوشته‌اند وی با کراهت تمام شهادتین را بر زبان جاری ساخت و خود و پسرش معاویه را از مرگ رها نمود. (۱) ۳۷

ص: ۳۷

پیامبر صلی الله علیه و آله با سپاهسانی که مکه طی تاریخ پر فراز و نشیب خود، نظیرش را ندیده بودند و پرچمش در دست علی علیه السلام قرار داشت وارد مکه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بر دروازه‌های شهر عفو عمومی اعلام کرد و از این عفو تنها هفده مرد و چهار زن را استثنا نمود.

علی علیه السلام در پی آنانی که پیامبر صلی الله علیه و آله خونشان را مباح کرده بود رفت و تعدادی از آنان را به قتل رسانید. دو تن از این افراد- عبدالله بن ابی ربیع و حارث بن هشام- به خانه خواهر آن حضرت ام‌هانی (دختر ابوطالب) پناه برده بودند و او به آنان امان داده بود. علی علیه السلام در حالی که سراپا زره پوش بود در پی آنان وارد خانه شد. خواهرش بدون آنکه او را بشناسد به علی علیه السلام گفت: «من دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و خواهر علی بن ابی طالب هستم». در این هنگام علی علیه السلام خود را به خواهر معرفی کرد، لکن محبت ام‌هانی مانع وی جهت انجام فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نگشت، بلکه با سلاح کشیده به سوی آن دو حمله نمود. ام‌هانی خود را بین علی علیه السلام و آن دو حائل نمود و گفت: من به آنان امان داده‌ام. اگر می‌خواهی آنان را بکشی، مرا نیز با آنان بکش. علی علیه السلام که چنین دید آن‌ها را به حال خود گذاشت و از خانه خارج گردید. بنا به روایات دیگر: ام‌هانی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و درباره آن دو نفر ضمانت کرد. پیامبر به جهت احترامی که برای ام‌هانی قائل بود ضمانت وی را

ص: ۳۸

پذیرفت، اما در همان حال از علی علیه السلام به خاطر کوششی که کرده بود تشکر نمود. (۱) ۳۸ در همین سفر بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره جبرئیل، بت‌هایی را که در داخل کعبه بود سرنگون ساخت و از بین برد. تنها یک بت شیشه‌ای از خُزاعه مانده بود که همچنان بر بام خانه کعبه قرار داشت. در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله به علی دستور داد که آن را نیز براندازد. علی علیه السلام با کمک پیامبر صلی الله علیه و آله از دیوار کعبه بالا رفت و آن بت را برانداخت و از بین برد. (۲) ۳۹

۸. غزوه تبوک

غزوه تبوک در سال نهم هجری اتفاق افتاد، در آن سال به پیامبر اطلاع رسید که رومیانی که در آن سوی مرزهای حجاز مستقر هستند، در حال تهیه دیدن سپاه قدرتمندی برای یورش آوردن به اعراب در دیار خودشان هستند. همین که این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید حضرت فرستادگانی به سوی قبایل گسیل کرد و آنها را فراخواند تا در دفع تجاوز شرکت جویند. حضرت سی هزار تن از مسلمانان را بسیج کرد و به طرف مرزهای روم به راه انداخت، اما برخلاف سایر جنگ‌ها علی علیه السلام را با خود نبرد. به گفته محققان این

۱- سیره‌الائمۃ الاثنی عشر ۱/ ۲۴۲.

۲- همان: ۱/ ۲۴۳.

ص: ۳۹

تنها جنگی بود که علی بن ابیطالب علیه السلام در آن شرکت نکرد.

منافقان که در صدد بودند در غیاب پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان شهر مدینه را در اختیار خود گیرند، وجود علی علیه السلام را مانع هرگونه توطئه‌ای می‌دیدند. از این رو شایعاتی در مدینه منتشر ساختند مبنی بر آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام اعراض کرده و او را با زنان و کودکان تنها نهاده است. این شایعات به گوش علی علیه السلام رسید و برای دفع هرگونه سوء تفاهم خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند و عرض کرد که:

«أَتُخْلِفُنِي عَلَى النِّسَاءِ وَالصِّبْيَانِ»

؛ «آیا مرا در کنار زنان و کودکان تنها می‌گذارید؟» لکن رسول خدا صلی الله علیه و آله با تشبیه موقعیت علی علیه السلام به هارون فرمود:

«أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؟»

؛ «آیا راضی و خرسند نیستی که در پیش من همانند هارون نسبت به موسی باشی، جز آنکه بعد از من رسولی در کار نخواهد بود؟» و بنا به روایت دیگر فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي». (۱) ۴۰

بنا به روایتی که علامه امینی در کتاب الغدير آورده است: چون علی علیه السلام در مورد همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در این جنگ - اصرار نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: جبرئیل از طرف خدا نازل شده و به من گفته است:

«لَأَبْدَأَنَّ أَنْ تُقِيمَ»

۱- صحیح مسلم ۴/ ۱۸۷۰، ۱۸۷۱ باب فضائل علی بن ابی طالب.

ص: ۴۰

او أُقِيمَ»، (۱) ۴۱

یعنی: «چاره‌ای نیست؛ یا باید تو (علی) در مدینه بمانی و یا آنکه من اقامت کنم». و در اینجا بود که علی علیه السلام به مدینه بازگشت و پیامبر صلی الله علیه و آله با سپاه اسلام عازم تبوک گردید؛ هر چند به طوری که در تواریخ آمده است در جنگ تبوک کار به درگیری نظامی منجر نگشت و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پس از بستن معاهده‌ای با رومیان به مدینه بازگشتند. حدیث منزلت که به شکل فوق از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر گردید، سند روشن و گویایی بر صلاحیت علی علیه السلام به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز تعیین این جانشینی است. در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان هارونِ اَمّت اسلامی مطرح کرده است. بنا به تصریح قرآن هارون برادر موسی و یاور او بود و هنگامی که موسی علیه السلام عازم کوه طور بود با تعبیر: «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ هَارُونَ أَخْلُفْنِي فِي قَوْمِي ...» (۲) ۴۲ او را به عنوان خلیفه و جانشین خود تعیین نمود. لذا صدور حدیث منزلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و تشبیه موقعیت علی علیه السلام به هارون برای کسی تردیدی باقی نمی‌گذارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان شایسته‌ترین فرد برای خلافت خود تنها به علی علیه السلام نظر داشته است.

۱- . الغدير ۵ / ۳۲۹ (با ترجمه فارسی) و نیز سيرة المصطفى / ۶۴۵.

۲- . اعراف / ۱۴۲.

۹. تبلیغ به جای پیامبر صلی الله علیه و آله

در سال نهم هجری آیات ابتدای سوره براءت نازل گردید که در آن خدای متعال بیزاری خود را از مشرکان اعلام داشت و به آنان اخطار نمود که پس از امسال دیگر حق نزدیک شدن به مسجد الحرام را نخواهند داشت. روشن است که لازم بود این پیام به مشرکان ابلاغ شده و مهلت الهی به آنان اعلام گردد. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوبکر مأموریت داد تا در معیت چهل تن از مسلمانان به مکه اعزام شود و ضمن به جای آوردن مراسم حج، آیات سوره براءت را در جمع مشرکان قرائت کند. (۱) ۴۳ زیرا پس از فتح مکه در سال هشتم، هنوز قبایل مشرکی در نقاط دور عربستان وجود داشتند و آنان برای انجام طواف - به همان رسم جاهلیت - در ماه‌های حج به مکه وارد می‌شدند. ابوبکر پس از دریافت آیات سوره براءت به طرف مکه به راه افتاد. اما هنوز به منطقه ذوالحلیفه نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر فرمود:

«لَا يُودَىٰ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ»

؛ یعنی: «کسی نمی‌تواند در عوض تو رسالت الهی را ابلاغ کند مگر خودت یا کسی که از تو باشد (و به

۱- بحار الانوار ۲۸۴/۳۵ باب نزول سوره البرائه. اضافه می‌شود که در این باب ۳۰ حدیث درباره قرائت سوره براءت بر مشرکان توسط علی علیه السلام ذکر شده.

ص: ۴۲

عبارتی با تو متحد و یکسان باشد). (۱) ۴۴ در اینجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمان داد تا در پی ابوبکر روان شود و پس از دریافت آیات سوره براءت، به مکه رفته، آن را در جمع مشرکان قرائت کند. علی علیه السلام به راه افتاد و پس از دریافت این آیات، به مکه عزیمت نمود و آیات الهی را در جمع مشرکان ابلاغ کرد.

هنگامی که ابوبکر به مدینه مراجعت کرد و علت امر را جویا گردید. پیامبر فرمود: «جبرئیل از جانب خدای عزوجل نازل شد و به من گفت: در عوض تو کسی نمی‌تواند تبلیغ رسالت کند مگر خودت و یا مردی که از تو باشد. و چون تنها علی از من است و من از اویم، لذا در عوض من کسی ادای رسالت نتواند کرد مگر علی». (۲) ۴۵ به عقیده برخی از محققان: علت آنکه در پی نزول جبرئیل رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به جای ابوبکر نامزد این مأموریت نمود آن بود که در اینجا تبلیغ آیات براءت، تبلیغ ابتدایی بود که از شؤون خاصه رسالت محسوب می‌گردید.

این تبلیغ به عنوان وزارت و معاونت به عهده علی علیه السلام نهاده شد و جهت آن همان اتحاد روحی و معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بود که بر مبنای آن علی علیه السلام می‌توانست عهده‌دار کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله گردد. و سخن جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله که:

۱- . سیره‌المصطفی ص ۶۷۷ با عنوان: «سورة البرائه».

۲- . یادنامه علامه امینی ص ۳۲۹.

ص: ۴۳

«أَنْتَ لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٍ مِنْكَ»

به این معنا بود که: کسی می‌تواند به نیابت تو و به عوض تو رسالت الهی را تبلیغ نماید که در اثر پیوند و اتحاد با تو برابر بوده و از نظر معنی و روح به منزله شخص تو باشد و چنین کسی از نظر وحی الهی کسی جز علی علیه السلام نخواهد بود. (۱) ۴۶ و اما در مورد چگونگی انجام این مأموریت چنان که مورخان ذکر کرده‌اند: امیرمؤمنان وارد مکه شد و در روز دهم ذی‌حجه بالای جمره عقبه با ندایی رسا سیزده آیه از سوره براءت را قرائت کرد. و سپس در میان مردم ندا در داد که: «از این سال به بعد هیچ مشرکی نباید وارد مکه شود و کسی هم نباید عریان به طواف خانه خدا رود. و هر کس با پیامبر صلی الله علیه و آله عهد و میثاقی دارد تا پایان مدتش بر آن عهد بماند». (۲) ۴۷ ناگفته نماند که پس از ابلاغ آیات سوره براءت و اتمام حجت‌های بعدی، مشرکان متوجه شدند که تنها چهار ماه فرصت دارند که تکلیف خود را با اسلام روشن سازند و لذا هنوز این مدت سپری نشده بود که مشرکان دسته دسته به آیین توحید روی آوردند و در سال بعد- یعنی سال دهم هجری- شرک در حجاز ریشه کن گردید. (۳) ۴۸

۱- . با استفاده از یادنامه علامه امینی مقاله: «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۷.

۲- . سیره‌الائمة الاثنی عشر ۱ / ۲۵۹.

۳- . فراهایی از تاریخ اسلام ص ۴۸۹ با اندکی تلخیص.

۱۰. جریان مباحله

از جمله آیاتی که متضمن فضیلت ویژه‌ای برای علی علیه السلام است آیه مباحله می‌باشد. این آیه در مورد برخورد با مسیحیان نجران است که در مورد عیسی علیه السلام قائل به الوهیت بوده‌اند در حالی که قرآن مجید با تشبیه حضرت عیسی علیه السلام به حضرت آدم، عیسی را انسانی اعلام نمود که در شرایط ویژه‌ای خلق شده است. (۱) ۴۹ به هر جهت چون مسیحیان به تخطئه عقیده قرآن در مورد حضرت عیسی علیه السلام پرداختند، قرآن با نزول آیه مباحله به شرح زیر آنان را به مبارزه فرا خواند: «هر گاه بعد از علم و دانش که (درباره مسیح) برای تو آمده (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخاستند، به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌نماییم و شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود (کسانی که به منزله جان هستند) دعوت می‌کنیم و شما هم از نفوس خود دعوت کنید، سپس مباحله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم». (۲) ۵۰ به طوری که در روایات آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس

۱- . آل عمران / ۵۱: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ...».

۲- . همان / ۶۱.

ص: ۴۵

از نزول آیه مباهله پیشنهاد خود را برای مسیحیان نجران جهت انجام مباهله مطرح نمود، اما مسیحیان از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای مهلت کردند تا در این باره بیندیشند و با بزرگان خود به شور بنشینند. نتیجه مشورت آنان این بود که به نفرات خود گفتند: اگر مشاهده کردید که محمد با سر و صدا و جمعیت فراوان به مباهله آمده، با او مباهله کنید؛ که حقیقتی در کار او نخواهد بود. و اگر با نفرات بسیار محدودی- از خاصان و نزدیکان خود- به میعادگاه آمد، بدانید که او رسول خداست و از مباهله با او پرهیزید که خطرناک است. آنها طبق قرار قبلی به میعادگاه رفتند و ناگهان متوجه شدند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که دست حسنین را گرفته و علی و فاطمه را نیز به همراه خود دارد، نزدیک می‌شود. مسیحیان هنگامی که این صحنه را دیدند سخت به وحشت افتادند و از اقدام به مباهله خودداری کردند. آنها در عوض حاضر به مصالحه شدند و به شرایط «ذمه» و پرداختن مالیات (جزیه) تن در دادند. (۱) ۵۱ جریان مباهله به شرحی که گذشت سند زنده‌ای در فضیلت اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود. زیرا به طوری که مفسران در تفسیر آیه مباهله نوشته‌اند: در این آیه مقصود از «ابناءنا» حسن و حسین علیهما السلام، مقصود از «نساءنا» فاطمه زهرا علیها السلام و مقصود از «انفسنا» وجود مبارک علی علیه السلام است. و

ص: ۴۶

چنان که مشاهده می‌شود در این آیه علی علیه السلام به مثابه نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و آله تلقی شده که سند دیگری بر اتحاد روحی و معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌باشد. زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر همین آیه نوشته است: «آیه مباهله دلیل واضحی بر صحت نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است زیرا احدی- از موافقان یا مخالفان- روایت نکرده است که مسیحیان به مباهله تن در دادند. علاوه بر آن این آیه قویترین دلیلی است که فضیلت اهل کساء را ثابت می‌کند» (۱) ۵۲

۱۱. مأموریت یمن و سفر حجۃ الوداع

در سال دهم هجری رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را با جمعی از مسلمانان جهت مأموریتی به یمن فرستاد. براء بن عازب در این خصوص گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله دو گروه از مسلمانان را روانه ساخت که در رأس یک گروه علی علیه السلام و در رأس گروه دیگر خالد بن ولید قرار داشت. اما سفارش کرد که اگر جنگی پیش آمد، علی علیه السلام فرمانده اصلی باشد. پس از پیروزی، روش علی علیه السلام در تقسیم غنایم مورد اعتراض خالد قرار گرفت. لذا نامه‌ای در جهت شکایت از علی علیه السلام تنظیم کرد و از طریق بُریده برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد. بریده گوید: چون به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و

ص: ۴۷

آن حضرت نامه را خواند، رنگ مبارکش تغییر کرد و سپس فرمود: «چه می‌گویید درباره مردی که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسولش او را دوست دارند؟!»

بریده گوید: من گفتم که از غضب خدا و غضب رسولش به خدا پناه می‌برم من فقط قاصد و پیام‌آور بوده‌ام؟ (۱) ۵۳ طبق حدیث دیگری در مورد همین مأموریت، پس از بازگشت مسلمانان از این سفر، چهار نفر آنان تک به تک با رسول خدا صلی الله علیه و آله تماس گرفتند و در مورد رفتار علی علیه السلام در این سفر گلایه‌هایی عرضه داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنان آنها گوش فرا داد و سکوت پیشه ساخت. اما چون چهارمین نفر اعتراض خود را نسبت به علی علیه السلام عنوان نمود، حضرت در حالی که غضب از روی مبارکش هویدا بود برخاست و فرمود:

«مَا تُرِيدُونَ فِي عَلِيٍّ؟ مَا تُرِيدُونَ فِي عَلِيٍّ؟ مَا تُرِيدُونَ فِي عَلِيٍّ؟ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ. وَ هُوَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»

؛ «از علی چه می‌خواهید؟! از علی چه می‌خواهید؟! از علی چه می‌خواهید؟! (مگر نمی‌دانید که) علی از من است و من از علی هستم. و او ولی و سرپرست هر مؤمنی پس از من است.» (۲) ۵۴ از نکات قابل توجه در این سفر آنکه: پس از انجام

۱- سنن ترمذی ۵ / ۵۹۷.

۲- همان: ۵ / ۵۹۰.

ص: ۴۸

مأموریت، علی علیه السلام مستقیماً به مدینه بازنگشت، بلکه چون خبردار شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم حج شده است، از راه یمن به مکه آمد و در نزدیکی مکه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در لباس احرام مشاهده کرد و از نحوه نیت او جويا گردید، علی علیه السلام گفت: من هنگام احرام بستن گفتم: بار پروردگارا، به همان نیتی احرام می‌بندم که رسول خدا صلی الله علیه و آله احرام بسته است. (۱) ۵۵ این خود گواه دیگری بر اتحاد روحی و هماهنگی کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌باشد.

پیش از آنکه به بیان مسائل دیگری که در حجة‌الوداع اتفاق افتاد- و از جمله ماجرای غدیر خم- پردازیم، ذکر این مطلب ضروری است که: همراهان علی علیه السلام در سفر یمن تلاش بسیاری به خرج دادند تا نظر پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به علی علیه السلام دگرگون سازند. و طبق روایات متعددی که در این باب وارد شده علت ناراحتی آنان از علی علیه السلام سختگیری فوق‌العاده‌ای بود که علی علیه السلام پس از پایان جنگ و نسبت به تقسیم غنایم از خود نشان داد. لذا از جمله توصیفات که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دفاع از علی علیه السلام به زبان آورد این عبارت معروف است که: «از بدگویی درباره علی علیه السلام دست بردارید؛ که او در اجرای دستور خدا بسیار

(۱)

ص: ۴۹

دقیق و سختگیر است و هرگز در زندگی او تملق و مدهانه (سازش) وجود ندارد». (۱) ۵۶

۱۲. معرفی و نصب جانشین

پس از خاتمه مناسک حج رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه جمعیتی که با آن حضرت بودند، آهنگ بازگشت به مدینه فرمود. و چون به منطقه غدیر خم (نزدیک میقات جحفه) رسید جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و این آیه را فرود آورد که: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۲) ۵۷؛ یعنی: «هان ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، ابلاغ کن. و اگر این کار را نکردی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای. و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند. خداوند کافران را هدایت نخواهد کرد».

با نزول این آیه، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را در آن نقطه متوقف نمود و دستور داد که آنان از جهاز شتران منبری بر پا نمایند و پس از نماز ظهر خطبه‌ای ایراد نمود.

در این خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله از بی‌اعتباری دنیا سخن به میان آورد و نزدیک بودن رحلت خود را به مسلمانان خبر داد.

۱- بحار الانوار ۲۱ / ۳۸۵.

۲- مائده / ۶۷.

ص: ۵۰

سپس حدیث مشهور ثقلین (۱) ۵۸ را ایراد فرمود و مردم را به تمسک در قرآن و حفظ حقوق اهل بیت علیهم السلام سفارش کرد. آنگاه دست علی علیه السلام را گرفت و او را در منظر عموم قرار داد، سپس خطاب به جمعیت سؤال کرد که: «ای مردم کیست که از اهل ایمان به آنان سزاوارتر است؟» گفتند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر فرمود: «همانا خدا مولای من است. و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آنها از خودشان پس هر کس که من مولای اویم، علی

۱- این حدیث چنین است: «انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي. ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً. و انهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض». یعنی: «من در میان شما دو میراث وزین به یادگار می‌گذارم؛ کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم. تا وقتی به این دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه سر حوض کوثر (در قیامت) بر من وارد شوند».

حدیث ثقلین از احادیث قطعی و متواتری است که دانشمندان شیعه و سنی در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله تردیدی ندارد. ابن حجر عسقلانی که از محققان بزرگ اهل سنت است حدیث ثقلین را به نقل از بیست و چند نفر از اصحاب رسول روایت کرده است. (المراجعات، بخش مستدرک ص ۲۳ تا ۲۵) از دانشمندان شیعه نیز میرحامد حسین هندی در کتاب «عبارات الانوار» حدیث ثقلین را از طریق ۲۰۰ تن از علمای اهل سنت روایت کرده است. (معارف اسلامی ص ۲۱۸) اضافه می‌شود که حدیث ثقلین از قراین مشخصی است که بر عصمت اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولویت و صلاحیت آنان به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله صراحت دارد.

ص: ۵۱

مولای او خواهد بود».

حضرت این سخن را سه بار- و بنا به گفته احمد بن حنبل، پیشوای حنبلی‌ها چهار بار- تکرار نمود. سپس دست به دعا برداشت و گفت: «بار خدایا دوست بدار کسی که او را دوست بدارد. و دشمن بدار کسی که او را دشمن دارد. و یاری فرما یاران او را. واگذار و گذارندگان او را».

آنگاه فرمود: «باید آنان که حاضرند این سخن را به گوش غایبان برسانند».

«هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که امین وحی الهی رسید و این آیه را فرود آورد که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ یعنی: «امروز روزی است که دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم». در این هنگام پیغمبر فرمود، (اللَّهُ أَكْبَرُ بِرِ اكْمَالِ دِينِ وَ اِتْمَامِ نِعْمَتِ وَ خَشْنُوْدِي خُدا بِه رسالت من و ولایت علی بعد از من).

سپس آن جمعیت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام تهنیت گفتند و با او به عنوان مولای مؤمنان بیعت نمودند و حسان بن ثابت- شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شعر جالبی درباره این واقعه سرود. (۱) ۵۹

۱- . تفضیل ماجرای غدیر در کتاب الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۲۹ تا ۳۴ آمده است.

ص: ۵۲

حدیث غدیر خم از روایات قطعی و متواتری است که شیعه و سنی بر قطعیت آن اتفاق نظر دارند و چنانکه تحقیقات علامه امینی در جلد اول الغدیر نشان می‌دهد، ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و ۸۴ تن از بزرگان تابعین و ۳۶۰ تن از دانشمندان اهل سنت در ردیف ناقلان حدیث غدیر بودند.

پس از واقعه غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسلمانان به مدینه مراجعت فرمود. در بازگشت از سفر، حضرتش دچار کسالت شد و به بستر بیماری افتاد. این بیماری روز به روز شدیدتر شد تا آنکه در ۲۸ صفر سال یازدهم هجری، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که سر بر زانوی علی علیه السلام داشت، چشم از جهان بست. و در شرایطی که سران مهاجر و انصار در محلی به نام سقیفه بنی ساعده اجتماع کرده سرگرم دعوی خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، علی علیه السلام به تجهیز بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و انجام مراسم کفن و دفن مشغول گردید و حتی حاضر نشد بیعت منفردانه عموی خود عباس را نیز بپذیرد. چرا که حضرتش خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای خود امری قطعی و مسلم می‌دانست و حاضر نبود که قبل از تمام شدن مراسم کفن و دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعتی را - آنهم در خفا و پنهانی - بپذیرد در چنین شرایطی کار ابوبکر در سقیفه سامان پذیرفت و به عنوان خلیفه رسول الله به مردم معرفی گردید.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

آنچه طی صفحاتی معدود از نظر گذشت، نگاهی کوتاه به مهمترین حوادث سیاسی زندگانی علی علیه السلام در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و هرگز نباید تصور کرد این صفحات در بردارنده کلیه فضایل علی علیه السلام و یا منعکس کننده تمام کارها و خدمات علی علیه السلام در این دوره بوده است. در عین حال تأمیل در همین حوادث محدود نشان دهنده خطوطی در شناخت حیات سیاسی علی علیه السلام همزمان با دوران رسالت به شرح زیر می‌باشد:

۱. علی علیه السلام در حوادث مهم و سرنوشت‌ساز دوران رسالت نقشی فعال و انکارناپذیر داشت. و بدون تردید پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مؤثرترین فرد در تثبیت اسلام و تحکیم پایه‌های آن، علی علیه السلام بود. حدیث منزلت که در آن منزلت علی علیه السلام به منزلت هارون تشبیه شده است، سند روشنی است که نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به این نقش

ص: ۵۴

کاملًا واقف بوده و آن را برای مردم بیان فرموده است. زیرا مطابق آیات قرآن هارون به عنوان وزیر موسی و یار و مؤید این پیامبر پیوسته در کنار حضرت موسی علیه السلام قرار داشت و دمی از آن حضرت جدا نگشت.

۲. علی علیه السلام در بین صحابه، نزدیکترین فرد به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به عنوان تنها برادر خود در دنیا و آخرت انتخاب نمود. و این مطلب را با تعبیر:

«انْتَ اخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

به دفعات اعلام نمود.

علاوه بر آن رسول گرامی با تعبیر:

«عَلَيَّ مَنِّي وَ اَنَا مِنْ عَلِيٍّ»

اتحاد روحی و معنوی ویژه‌ای بین خود و علی علیه السلام برقرار نمود. به موجب این اتحاد روحی و معنوی، علی علیه السلام بزرگترین حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در مواضع متعدد از تعرض اصحاب به علی علیه السلام جلوگیری کرد.

چنان که به موجب همین رابطه علی علیه السلام به عنوان وصی بلافضل رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین آن حضرت به همه مسلمانان معرفی گردید.

علاوه بر آن علی علیه السلام در بین صحابه از چنان فضایل و موقعیتی برخوردار گردید که برای احدی از صحابه در اولویت آن حضرت نسبت به دیگران - برای جانشینی پیامبر - تردیدی باقی نماند؛ هر چند که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای از صحابه مسیر دیگری را اختیار کردند.

ص: ۵۵

۳. در این دوران با وجود پیامبر صلی الله علیه و آله علی از خود رأی و نظری ندارد. تاریخ در خصوص رابطه علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله جز اطاعت مطلق علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله، موضعی سراغ ندارد. و به این ترتیب مهمترین محور در خطّ مشی سیاسی علی علیه السلام در این دوره تبعیت او از رهبری امت اسلامی است. این تبعیت در زندگانی علی علیه السلام تنها به یک موضع‌گیری سیاسی محدود نمی‌گردد، بلکه دامنه اعمال عبادی و شرعی را نیز فرا می‌گیرد؛ به طوری که در سفر حجة الوداع، علی علیه السلام که از مسیری جدا از مسیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به مکه آمده بود و از نیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اطلاعی نداشت، تصمیم گرفت با همین نیتی محرم گردد که رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه احرام پوشیده بود. و چون این مطلب به گوش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله خرسند شد و او را در عملش تصویب نمود.

ص: ۵۷

منابع و مأخذ

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه، به تصحیح دکتر صبحی صالح، تهران دارالاسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۵ ه. ق.
۳. الارشاد، محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰ ه. ق
۴. اسدالغابه فی المعرفة الصحابه، عزالدین بن اثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ه. ق
۵. بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق
۶. تاریخ الرسل والملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالتراث العربی.
۷. تاریخ الخلفاء، جلال‌الدین سیوطی، قم، منشورات رضی، ۱۳۷۰ ه. ش.
۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکارانش، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.
۹. تفسیر مجمع البیان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسی،

ص: ۵۸

بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۰. تفسیر الکشاف، جارالله محمود زمخشری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۱۱. تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۲. الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی، ابو عیسی ترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام، محمد بن هشام، بیروت، دارالقلم.
۱۴. سیره المصطفی، هاشم معروف حسنی، قم، منشورات شریف الرضی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۵. شرح نهج البلاغه، عزالدین ابن ابی الحدید، بیروت، داراحیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ه. ق.
۱۶. صحیح مسلم، محمد بن مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ ه. ق.
۱۷. الغدیر فی الکتب و السنه و الادب، عبدالحسین امینی به ترجمه سید جمال موسوی، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۶۲ ه. ش.
۱۸. فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی، نشر مشعر، ۱۳۷۵ ه. ش.
۱۹. سیره الائمة الاثنی عشر، هاشم معروف حسنی، بیروت، دارالتعارف.

ص: ۵۹

۲۰. المراجعات، عبدالحسین شرف‌الدین، به تحقیق و تعلیق حسین راضی، بیروت، ۱۴۰۲ ه. ق.
۲۱. معارف اسلامی، جمعی از نویسندگان، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۶۵ ه. ش.
۲۲. یادنامه علامه امینی، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی و محمد رضا حکیمی، مقاله «حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی، موسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱ ه. ش. (۱) ۶۰

پی‌نوشتها

- ۱ (۱). شرح نهج‌البلاغه ۱/۱۵، السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام ۱/۲۳۶.
- ۲ (۱). نهج‌البلاغه صبحی صالح/۴۰۶.
- ۳ (۲). همان/۴۰۶.
- ۴ (۱). نهج‌البلاغه صبحی صالح/۴۰۶.
- ۵ (۲). همان/۲۵۷.
- ۶ (۱). سیره ابن هشام ۱/۲۶۲ به نقل از ابن اسحاق
- ۷ (۲). تاریخ طبری ۲/۳۲۱.
- ۸ (۱). سیره ابن هشام ۲/۱۵۰.
- ۹ (۲). سنن ترمذی ۵/۵۹۳.
- ۱۰ (۳). تاریخ الخلفاء ۱/۱۶۹.
- ۱۱ (۱). سنن ترمذی ۵/۵۹۴.

۱- دکتر مجید معارف، زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام، ۱جلد، نشر مشعر - تهران.

ص: ۶۰

۱۲ (۲). سوره حجرات / ۱۰.

۱۳ (۱). سیره ابن هشام ۲ / ۱۵۳.

۱۴ (۱). جهت اطلاع بیشتر بنگرید به کتاب یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» از محمد باقر بهبودی.

۱۵ (۲). هود: ۴۶

۱۶ (۱). تاریخ طبری ۲ / ۳۲۲.

۱۷ (۲). انفال / ۳۰.

۱۸ (۱). بقره / ۲۰۷.

۱۹ (۱). مجمع البیان ۲ / ۵۳۵ و نیز بنگرید به تفسیر فخر رازی ۵ / ۲۲۳، اسدالغابه ۳ / ۶۰۱.

۲۰ (۲). جهت اطلاع بیشتر بنگرید به بحارالانوار ۱۹ / ۱۰۶ به نقل از اعلام‌الوری.

۲۱ (۱). سیره‌الائمة الاثنی عشر ۱ / ۱۹۱.

۲۲ (۱). ارشاد مفید / ۶۴.

۲۳ (۲). نهج‌البلاغه صبحی صالح / ۶۳۱.

۲۴ (۱). بحارالانوار ۴۵ / ۱۵۷.

۲۵ (۱). تاریخ طبری ۲ / ۵۱۴.

۲۶ (۲). یادنامه علامه امینی مقاله «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۵.

۲۷ (۱). سیره‌المصطفی ص ۵۰۰، در بحارالانوار آمده است: «برز الایمان کله الی الکفر کله» بنگرید به این کتاب ۳۹ / ۱ الی ۷.

۲۸ (۲). بحارالانوار ۳۹ / ۲.

ص: ۶۱

۲۹ (۱). تفسیر مجمع البیان ۸ / ۵۴۱.

۳۰ (۱). احزاب / ۱۲.

۳۱ (۲). همان، آیه ۹ که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ...».

۳۲ (۳). همان، از آیه ۹ تا ۲۷

۳۳ (۴). همان / ۲۵.

۳۴ (۱). مجمع البیان ۸ / ۵۵۰.

۳۵ (۱). صحیح مسلم: ۴ / ۱۸۷۱ روایات ۳۲ تا ۳۵.

۳۶ (۲). همان: ۴ / ۱۸۷۱ حدیث ۳۳.

۳۷ (۱). سیره‌المصطفی / ۵۹۴ و ۵۹۵.

۳۸ (۱). سیره‌الائمة الاثنی عشر ۱ / ۲۴۲.

۳۹ (۲). همان: ۱ / ۲۴۳.

۴۰ (۱). صحیح مسلم ۴ / ۱۸۷۰، ۱۸۷۱ باب فضائل علی بن ابی طالب.

۴۱ (۱). الغدیر ۵ / ۳۲۹ (با ترجمه فارسی) و نیز سیره‌المصطفی / ۶۴۵.

۴۲ (۲). اعراف / ۱۴۲.

۴۳ (۱). بحارالانوار ۳۵ / ۲۸۴ باب نزول سوره البرائه. اضافه می‌شود که در این باب ۳۰ حدیث درباره قرائت سوره براءت بر مشرکان توسط علی علیه السلام ذکر شده.

۴۴ (۱). سیره‌المصطفی ص ۶۷۷ با عنوان: «سوره البرائه».

۴۵ (۲). یادنامه علامه امینی ص ۳۲۹.

۴۶ (۱). با استفاده از یادنامه علامه امینی مقاله: «حسین منی و انا من حسین» ص ۳۲۷.

۴۷ (۲). سیره‌الائمة الاثنی عشر ۱ / ۲۵۹.

۴۸ (۳). فرازهایی از تاریخ اسلام ص ۴۸۹ با اندکی تلخیص.

۴۹ (۱). آل عمران / ۵۱: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ...».

۵۰ (۲). همان / ۶۱.

ص: ۶۲

۵۱ (۱). تفسیر نمونه ۲ / ۵۸۲.

۵۲ (۱). تفسیر کشاف ۱ / ۳۷۰.

۵۳ (۱). سنن ترمذی ۵ / ۵۹۷.

۵۴ (۲). همان: ۵ / ۵۹۰.

۵۵ (۱). بحار الانوار ۲۱ / ۳۸۵.

۵۶ (۱). بحار الانوار ۲۱ / ۳۸۵.

۵۷ (۲). مائده / ۶۷.

۵۸ (۱). این حدیث چنین است: «انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي. ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً. و انهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض». یعنی: «من در میان شما دو میراث وزین به یادگار می‌گذارم؛ کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم. تا وقتی به این دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه سر حوض کوثر (در قیامت) بر من وارد شوند».

حدیث ثقلین از احادیث قطعی و متواتری است که دانشمندان شیعه و سنی در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله تردیدی ندارد. ابن حجر عسقلانی که از محققان بزرگ اهل سنت است حدیث ثقلین را به نقل از بیست و چند نفر از اصحاب رسول روایت کرده است. (المراجعات، بخش مستدرک ص ۲۳ تا ۲۵) از دانشمندان شیعه نیز میرحامد حسین هندی در کتاب «عبارات الانوار» حدیث ثقلین را از طریق ۲۰۰ تن از علمای اهل سنت روایت کرده است. (معارف اسلامی ص ۲۱۸) اضافه می‌شود که حدیث ثقلین از قراین مشخصی است که بر عصمت اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولویت و صلاحیت آنان به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله صراحت دارد.

۵۹ (۱). تفضیل ماجرای غدیر در کتاب الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۲۹ تا ۳۴ آمده است.

۶۰ دکتر مجید معارف، زندگانی سیاسی امام علی علیه السلام، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

